

ویژه چهاردهم رمضان الکریم  
سه شنبه ۷ اردیبهشت ۱۴۰۰

# روزنامه کیهان



روز شمار مهمان ماه خوب خدا



مرکز تولید محصولات چندرسانه ای فرهنگی  
سازمان جهاد دانشگاهی خواجه نصیرالدین طوسی



بازتاب رویدادهای معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی



معاونت فرهنگی



روزشمار مهمانی ماه خوب خدا

صاحب امتیاز: اداره کل راهبری امور فرهنگی جهاد دانشگاهی  
مدیر مسئول: عادل تقوی  
سردبیر: پویا پایداری  
طراح گرافیک: سید علی اکبر عبداللہی  
خطاط: استاد سید محمد جاویدان  
توصیہ های اخلاقی: آیت الله محسن غروی‌ان  
تفسیر قرآن: پویا پایداری  
مروری بر نهج البلاغہ: فرزانه بزرگیان  
برداشت فلسفی: حمید امیدی  
انتخاب اشعار: احمد راہداری  
سفر آیینی: رحیم یعقوب زاده، زینب یوسفی، صدرا عمویی  
میزان فرمان انسان در روزها: فرزین پور محبی  
انجام مصاحبه ها: پوریا جوادی  
گردآوری دیدگاه های مخاطبان: ارشیا عبدی  
داستان کوتاه: حسین رهاہ  
معرفی کتاب: بہارہ راد  
انتخاب موسیقی: سمانہ عنبری  
تیم فنی و پشتیبانی فضای مجازی: امیرحسین اسدی، محمد رضارحمانی  
و پوریا جوادی

نشانی : خیابان انقلاب - خیابان فخر رازی - خیابان شہدای  
ژاندارمری شرقی شماره ۷۲

پایگاہ اطلاع رسانی:  
[www.roytab.ir](http://www.roytab.ir)



وَأَقْلَبْ فِيمَا عَزَلْتَ خَطَايَا

حِكْمًا

۱۴  
رمضان ۱۴۴۲ قمری  
سه شنبه ۷ اردیبهشت

پیرماگفت **خطا** بر قلم صنع زلفت

آفرین بر نظر پاک **خطا** پوشش باد

حافظ

توصیه  
اخلاقی

آیت الله محسن غرویان

بزرگترین خطا

ماه مبارک رمضان، ماه معرفت به خطا و سپس توبه و بازگشت از خطا

بزرگترین **خطا** انسان این است که خطا را ببیند و از آن برنگرد؛ عقل حکم می کند انسان وقتی خطایی را مرتکب شد و متوجه شد که **خطا** کرده است از آن برگردد؛ انسان **خطا** کار حتما باید پس از شناخت **خطا** توبه کند.

ماه مبارک رمضان، ماه معرفت است، معرفت به **خطا** و سپس توبه و بازگشت از **خطا**؛ هیچ کس جز انسان معصوم مبرا از **خطا** نیست؛ البته خطاها بزرگ و کوچک دارد. خطای کوچک انسانها بزرگ، بسیار بزرگ است و **خطا** بزرگ انسانهای کوچک در نزد خداوند آمرزیده می شود؛ اما خطاهای انسانهای بزرگ به این راحتی بخشیده نمی شود.

بنابراین انسان عالم، انسان معلم، کسانی که مسئولیت هدایت انسانهای دیگر را بر عهده دارند مسئولیتشان بسیار بزرگتر است، باید مواظب باشند که خطا نکنند، خطای یک فرد گاهی امتی را به انحراف می کشاند. در ماه مبارک رمضان از خدا بخواهیم که خطاهای ما را به ما نشان دهد و توفیق توبه و بازگشت و اصلاح عنایت فرماید

برداشت  
فلسفی



حمید امید

سند حقیقی

تباه کردن فرصتها، غصه به همراه دارد.....

به راستی تاکنون لختی به خود فرصت اندیشیدن و سبک سنگین کردن امورات جاری ات را داده ای؟؟ امروز از خطا و اشتباه می خواهم بنویسم و وقتی خوب توجه می کنم، متوجه می شوم که در مسیر رشد، کمال و زندگی از خطا و اشتباه دور نبوده ام... شاید باید خطا می کردم تا بزرگ شوم اما آیا تکرار خطا و عبرت نگرفتن از آنها باعث نمی شود نقد زندگی را با خطاهای پی در پی از دست بدهم و غصه بخورم... امیرالمومنین می فرمایند: "إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غَضَبٌ". "تباه کردن فرصتها، غصه به همراه دارد... حَبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ دُوسْت دَاشْتَن دُنْیَا سرآغاز هر خطا و اشتباهی است. حضرت در برخوردی قاطعانه با قاضی خود آنگاه که دلدادگیش را به دنیا در خرید خانه ای، متوجه میشود، در نامه ی سوم اینگونه اظهار می دارد: ای شریح! اندیشه کن که آن خانه را با مال دیگران یا با پول حرام نخریده باشی، که آنگاه خانه دنیا و آخرت را از دست داده ای؛ اگر هنگام خرید خانه نزد من آمده بودی، برای تو سندی می نوشتم که دیگر برای خرید آن به درهمی یا بیشتر، رغبت نمی کردی. آن سند را چنین می نوشتم: این خانه ای است که بنده ای خوار آن را از مرده ای آماده کوچ خریده، خانه ای از سرای غرور، که در محله نابودشوندگان و کوچه هلاک شدگان قرار دارد. این خانه به چهار جهت منتهی می گردد: یک سوی آن به آفتها و بلاها (محقوفه بالبلاء)؛ سوی دوم آن به مصیبت ها؛ سوی سوم به هوا و هوس های سست کننده و سوی چهارم آن به شیطان گمراه کننده ختم می شود و در خانه به روی شیطان گشوده است. این خانه را فریب خورده آزمند، از کسی که به زودی از جهان رخت برمی بندد، به مبلغی که او را از عزت و قناعت خارج و به خواری و دنیاپرستی کشانده خریداری کرده است. هر گونه نقصی در این معامله باشد، بر عهده پروردگاری است که اجساد پادشاهان را پوسانده و جان جباران را گرفته و سلطنت فرعون ها چون کسری و قیصر را نابود کرده است.

نادانی مدعیان دانایی

در این راه حد وسط نداریم از گروه اولی که یقینا نیستیم پس به تو پناه می بریم از نادانی ادعای دانایی مان بار الهی، من پناه می برم به تو که دیگر چیزی که نمی دانم از تو تقاضا کنم..... سوره هود آیه ۴۷ **خطا** به عدد همه نفوس و هر درجه ای متصور است برای گروه اندکی همچون انبیاء و اولیاء نشستن غباری بر لوح دل در پس خطورات شیطانی است برای جمعیت کثیری انسداد فهم و تفهم است قفلی بر مجرای قلب بسته شده که توقع گشایش آسان نیست آنچه که برای هر دو گروه قدر مشترک است خطا چه از نوع خطورات باشد چه از نوع معصیت، ناشی از بی توجهی و نادانی است چرا که در اولی نوح نبی تحلیل نا صوابی درباره نجات فرزندش ارائه می دهد عتاب می رسد از امری که از جوانب آن آگاه نیستی تقاضا مکن و پندت می دهم که از مردم جاهل مباشی.

و در دومی شیوه بندگی اهل نفاق، بر زبان داعیه ایمان و در درون آتشفشانی از معاصی است و خطاب می رسد کُنه اندیشه تان فساد و تباهی در عرصه گیتی است و بر اثر شقاوت و جهالت نه می شنوید و نه می بینید گویی قلبهایتان مقفول گشته در این راه حد وسط نداریم از گروه اولی که یقینا نیستیم پس به تو پناه می بریم از نادانی ادعای دانایی مان تا مجاری فهم و اندیشه مان مسدود نگشته و غرق در معاصی نگردیم

پویا پایداری



تفسیر

انسان و خطای "گناه نخستین"

هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی کشد

آیا آن چنان که در جهان فکری مسیحیت گفته می شود از آغاز آفرینش انسان خطا همراه و همزاد او بوده است؟

از نظر عهد جدید از آغاز اراده خدا برای آفرینش انسان و علیرغم نهی از خوردن میوه ممنوعه، انسان از آن میوه ممنوعه خورد و خطا ورزید و از همان روز نخست گناه آلوده شد و در نتیجه به زمین هبوط کرد. پولس رسول در نامه ای به پیروان مسیح می نویسد "همه ما می میریم زیرا از نسل آدم گناهکار هستیم، چون هر جا گناه باشد، مرگ نیز وجود دارد" پولس در این نامه اشاره دارد که به دلیل خطای نا فرمانی خدا ذات بشر برای تمام دوران ناپاک است. به دلیل گناه آلوده بودن ذات انسان مفهوم "عصمت" در جهان مسیح وجود ندارد، در حالی که در جهان فکری اسلامی "کلام اسلامی" خطا ذاتی انسان نیست و جنبه عرضی دارد و چون خطا عرضی است پس "عصمت" هم می تواند وجود داشته باشد.

بسیاری تلاش کرده اند تا مفهوم "خطا" در جهان مسیحیت را در جهان فکری اسلامی هم طرح کنند و به روایت "کل بنی آدم خطاء و خیر الخطائین التوابین" استناد کرده اند که به نظر می رسد روایت صحیح نباشد. انسان اگرچه در گناه نخستین "آن چنان که آگوستین قدسین نخستین بار این واژه را بکار برده "نافرمانی خدا کرد و اسلام نیز بر آن صحنه می گذارد اما انسان برای همیشه در نگاه اسلام گناه آلوده نیست چرا که در نظر قرآن "هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی کشد"

# اللَّهُمَّ لَا تُؤْخِذْنِي فِيهِ بِالْعَثَرَاتِ، وَأَقِلْنِي فِيهِ مِنَ الْخَطَايَا وَالْهَفَوَاتِ، وَلَا تَجْعَلْنِي فِيهِ غَرَضًا لِلْبَلَايَا وَالْآفَاتِ، بَعِزْ تَكَ يَا عِزُّ الْمُسْلِمِينَ.

## نگاه خطاکارانه و طلبکارانه

خودمونو باید جای کسانی بذاریم که خطاکارند...

چوبشروی سخن اهل دل مگو که خطاست، سخن شناس ای جان من خطا اینجاست.

خیلی وقتها به این بیت معروف حافظ فکر می‌کنم و به این فکر می‌کنم که شاید وقتی که خطایی از کسی دیدم و زود قضاوت کردم باید قبلش به این فکر می‌کردم که اگر من هم جای اون بودم این خطا رو انجام می‌دادم خودمونو باید جای کسانی بذاریم که خطاکارند و ببینیم که اگر ما در موقعیت اون شخص بودیم اگر که ما اون میزان از فهم، اون میزان از تحصیلات، اون میزان از ادراک هستی رو داشتیم آیا باز هم خطا می‌کردیم یا نه؟ خیلی وقتها از دست خودم ناراحت میشم که چرا اون خطا رو کردم و باعث میشه که روز ها ذهنم درگیره خطای خودم باشه ولی آیه مبارکه و نفخت فیه من روحی، من از روح خودم در شما دمیدم و خدا ستار العیوبه، خدا خطاها و عیبهای ما بنده ها رو می‌بخشه، کاشکی ما هم دیگران رو و خودمون رو ببخشیم تا اینکه ان شاءالله همه در روزگار بهتری زندگی کنیم و با مهربانی بهم دیگه نگاه کنیم و تا جایی که میشه سعی کنیم که مهر و مهربانی رو دریغ نکنیم، لبخند زیبا رو دریغ نکنیم از خودمون و دیگران شاید بزرگترین خطا، نگاه خطاکارانه و نگاه طلبکارانه به دیگران باشه، خیلی ها رو دیدم که اینقدر درگیر نقد خطای دیگران شدن که خودشونم درگیر همون خطا شدن ان شاءالله که ببخشیم و سعی کنیم که مهربان باشیم که خدای متعال هم از همه ی ما ببخشه وان شاءالله که حال همه ی ما خوش باشه



گفتگو

صابر قدیمی

## ۱۶ روز باقیست به پایان مهمانی



سفر آئینی

زینب یوسفی



میزان فرمان انسان

فرزین پور محبی

## آیین "قنبر خوانی"

«شبییه خوانی قنبر» یا همان «قنبر خوانی» با قدمتی ۲۰۰ ساله یکی از با قدمت‌ترین مراسم سنتی شهرستان کاشمر در استان خراسان شمالی می‌باشد

این آیین کاملاً به صورت مردمی و از میان اهالی شکل گرفته است که در ایام شهادت حضرت علی (ع) در ماه مبارک رمضان برگزار می‌شود، مردم این منطقه و دوست‌داران مولای متقیان در ماتم و اندوه فرو می‌روند و همه جا سیاه‌پوش می‌شود و به تعزیه و عزاداری و نوحه‌خوانی و اجرای مراسم قنبر خوانی در شب ۲۱ می‌پردازند.

قنبر از یاران امام علی (ع) بود که عمری را در حضور حضرت از دل و جان خدمت کرد. در آیین قنبر خوانی یک نفر در نقش قنبر خادم حضرت علی (ع) با در دست داشتن کشتکول و تبر زین، طی مراسمی خاص و با خواندن اشعار مذهبی، با مولای خود راز و نیاز می‌کند و وقایعی را که بر امیرالمومنین (ع) رفته به صورت شعر و مرثیه بازگو می‌کند؛ مردم نیز با گریه و سوگواری با نیت و حاجت‌های مختلف خود، مقداری پول به داخل کشتکول شبیه‌خوان می‌ریزند. تکرار و تسلسل ذکر «ناد علیا علیا یا علی» در تعزیه قنبر خوانی علاوه بر آرامشی که در درون پدید می‌آورد، شخص را به نوعی حضور می‌رساند؛ همچنین حضور جمعیت انبوه در این مجلس نشانگر عشق و ارادت مردم به سالار شهیدان است که این جمعیت را از نقاط مختلف به این شهر می‌کشاند و عزاداری را در منطقه زبان زد کرده است. مراسم قنبر خوانی ماه رمضان شهرستان کاشمر در تاریخ چهارم بهمن ماه سال ۹۱ در فهرست میراث ناملموس (معنوی) کشور به ثبت رسیده است.

یادآور می‌گردد این مراسم همچنین در برخی از مناطق ایران همچون اصفهان، کاشان، شاهرود، کرمان، گرمه و ... نیز اجرا می‌شود.

## خطا مثل قند

حال، آدمی چگونه این تناقض ماندنی را خاک بر سر کند؟

میزان فرمان انسان با دعای روز چهاردهم ماه مبارک رمضان

این دعا را می‌شود در مصرع زیر خلاصه کرد: اگر جز نام تو گفتم، ز من بگذر خطا گفتم در این مورد باید گفت: اولاً گناه و خطا مثل قند، شیرینند. دوماً نسبت به قندی که در دل آب می‌کنند سبزه‌بندی کبیره و صغیره دارند. سوماً بشر عاشق شیرینی است. اما از همه مهم‌تر، این نکته است که بشر متخصص ندامت تلخ بعد از گناهان سخت است! حال، آدمی چگونه این تناقض ماندنی را خاک بر سر کند؟ غصه نخورید همیشه راه‌های دررو، قد راه‌های رسیدن به خدا به شرح زیر، زیاد است:

۱ - بشر طی فرآیند پیچیده‌ای گناهانی می‌کند که خود را برای ارتکاب آنها ناچار و یا بی‌اطلاع نشان دهد! یعنی وانمود کند شرائط، راهی بجز خطا و لغزش پیش پایش گذاشته و یا اینکه، در جیبش خط‌کشی برای تعیین عمق فاجعه نداشته!

۲ - به خدا پناه می‌برد و با دعا و کمی ناز و ادا، او را محلل و شفیع خودش قرار می‌دهد

۳ - بعد از گناه با انداختن سکه‌ای در صندوق صدقات، ۷۰ بلا را دفع و رفع می‌کند و یا با انجام یک کار ثواب، دل کیاب و وجدان معذبش را آرام می‌کند. و هزاران راه دیگر... قربان اوستا کریم که گفته: هر بار که توبه کردی باز آی گفتیم وجدان؛ به قولی وظیفه وجدان زهرمار کردن خطا و گناه است مثل ساعت تنظیم شده تا در زمان طلوع و وقوع خطایی زنگ بزند و بنده یک دنده را شمرنده کند. شعار کلیشه‌ایش هم می‌شود این عبارت: بیدار شدن از خواب غفلت! خبر بد اینکه وجدان هم مثل ساعت خراب می‌شود اما خبر خوب اینکه وجدان هم مثل ساعت خراب می‌شود! یعنی پیش می‌آید که درست کوک نمی‌شود و در نتیجه گناه هم، هر دم، کوفت آدم، نمی‌شود! پس برای استفاده از طعم شیرین خطا باید وجدان را بنوعی کرد گرفتار بلا.. مثلاً خود را زد به آن راه؛ یا مشغول شد با چیزی مثل اعتیاد. بله؛ با وجدان می‌شود خودسازی کرد تا معرفت را دریابی با خرابیش هم می‌شود خود را ساخت تا دلی از عزا در آری! نقش وجدان در روح مانند گلبول سفید است در خون هر دو سیستم ایمنی هستند، آنهم چه جور! یکی مریض شفا می‌دهد آن یکی مرض را... یکی تب و لرز را می‌اندازد، یکی به جاده لغزنده روکش صاف می‌اندازد!

خدایا سیستم ایمنی ما را با ویتامین و واکسن‌های دوز بالا قوی ساز بسیار! الهی آمین

# خدایا، مرا در این ماه بر لغزش‌ها سرزنش مکن و از خطاها و افتادن در گناهان دور بدار و هدف بلاها و آفات قرار مده، به عزّت ای عزّت مسلمانان.

گردآوری:

ارشیا عبدی



از دیدگاه شما

- از خط خارج شدنی که ضرر را به دنبال دارد هم عمدی و هم غیر عمدی. پذیرش خطا بسیار مهم تر است و مانع از تکرارش می شود
- خطا تجربه است، در واقع اشتباهه که باعث میشه شنا مسیر درست رو میفهمی چیه تا بد نباشه خوب نیست، تا خطا نباشه مسیر درست رو نمیتونی پیدا کنی و خطا همون تجربست
- خطا یعنی لغزیدن و دور شدن از راه اصلی زندگی و انسانیت
- هممون خطا داریم اما نحوه برخورد با خطای خودمون و دیگران خیلی مهمه.
- مهم اینه خودمونو بخاطر خطاهامون سرزنش نکنیم و سعی کنیم جبرانانش کنیم و با خطای دیگران هم همون برخوردی رو بکنیم که دوس داریم با خودمون بشه.
- خطا کردن لازمه انسان بودن و نیز انسان شدن است فقط چیزی را درخاطر داشته باش سعی کن خطاهای خود را تکرار نکنی تکرار خطاهانسانانه حماقت است

## خطای دکارت

احساسات یک چیز لوکس نیستند، آنها برای تفکر منطقی و رفتارهای عادی اجتماعی ضروری هستند.

از آنجا که دکارت به طور مشهوری اعلام کرده است، "من فکر می کنم، پس من هستم"، علم غالباً از احساسات به عنوان منبع موجود واقعی یک فرد چشم پوشی می کند. حتی علوم اعصاب مدرن نیز تا همین اواخر تمایل داشته است که بر جنبه های شناختی عملکرد مغز تمرکز کند و احساسات را نادیده بگیرد. این نگرش با انتشار خطای دکارت در سال ۱۹۹۵ شروع به تغییر کرد. آنتونیو داماسیو - یکی از برجسته ترین متخصص مغز و اعصاب جهان (نیویورک تایمز) - عقاید سنتی را در مورد ارتباط بین احساسات و عقلانیت به چالش کشید. در این کتاب جذاب و شگفت آور، داماسیو خواننده را به یک سفر کشف علمی از طریق یک سری مطالعات موردی می برد، چیزی را که بسیاری از ما مدتهاست به آن شک داریم نشان می دهد: احساسات یک چیز لوکس نیستند، آنها برای تفکر منطقی و رفتارهای عادی اجتماعی ضروری هستند. این کتاب در یازده فصل و سه بخش نوشته است.

کتاب خطای دکارت اثر آنتونیو داماسیو توسط تقی کیمیایی اسدی ترجمه و در نشر نگاه معاصر منتشر شده است.



بهاره راد

معرفی کتاب



حسین رهاد

داستان کوتاه



شیرینی کشمشی

«اینا رو سه ماه پیش از مغازه گرفته. نخورشون شاید خراب باشه.»

زهرا دیگچه‌ی شیر را بر سر شانه‌اش گذاشت و به سمت خانه‌ی عباس راه افتاد. بهار فصلی بود که شیر گوسفندها زیاد بود. زهرا از سر صبح مشغول دوشیدن گوسفندها بود. نوه‌اش پای‌شان را نگه می‌داشت تا مبادا با لگدی دیگچه را بریزند. زهرا هم پستان گوسفندها را با دو دست و به صورت نوسانی پایین می‌کشید. شیر به کف ظرف می‌خورد و صدای فش‌فش می‌کرد. زهرا وارد حیاط شد و سلام بلندی کرد. از سال پیش که عباس چرخ شیر خریده بود اشرف در پوست خودش نمی‌گنجید. وظیفه‌ی چرخ شیر تبدیل شیر پرچرب به خامه و شیر کم‌چرب بود. این دستگاه فلزی در روستا به صاحبش اعتبار زیادی می‌داد و تقریباً معادل کاری را می‌کرد که یک ماشین مدل بالا در شهر انجام می‌داد. آن روز اشرف روی چهار پایه‌ی پلاستیکی نشسته بود و پاهایش را مثل دو میخ به زمین فرو کرده بود و به خیال خودش صلابت خاصی داشت. چندبار هم با سری به سمت بالا اشاره به شیرینی کشمشی‌هایی کرد که دیشب پخته. اما زهرا درست بعد از ورودش با دیدن اشرف گفت: «چرا سیخ نشستی اشرف؟! نکنه شاش داری؟!» و همه زدند زیر خنده. اشرف دست و پاش را جمع کرد و معمولی نشست. در آن جمع، بزرگی ظرفی که زن‌ها با خودش آورده بودند با تقریب خوبی وضع زندگی‌شان را نشان می‌داد. همه به جز اعظم دیگچه‌های متوسطی داشتند. اعظم بیش‌تر برای این‌که در آن جمع حضور داشته باشد آمده بود وگرنه آن مقدار شیر ارزش چرخ کردن را نداشت. اشرف در این بین، یکریز حرف می‌زد و مدام ظرف شیرینی کشمشی را به بقیه تعارف می‌کرد. در همان لحظه صدای پایی آمد. حسن کله سرش را پایین انداخته بود و آرام از پله‌های بال‌خونه پایین می‌آمد. آفتابه را از کنار درخت برداشت و از شیر حیاط، پر آبش کرد. حسن با دیدن عمه زهراش سلامی کرد و شیرینی را از دستش گرفت و توی باغچه انداخت. حسن طوری که همه بشنوند گفت: «اینا رو سه ماه پیش از مغازه گرفته. نخورشون شاید خراب باشه.» و به سمت دستشویی رفت.